

آینده ی سازمان های بین المللی

سازمان های بین المللی امروزی گاه توسط منتقدین و مردم و متخصصین به عنوان سازمانهایی منسوخ شده و حتی بی فایده مورد انتقاد قرار می گیرند. آیا تغییر در این سازمانها امکان پذیر است ؟ و اگر چنین است، آینده ی این سازمان ها چگونه به نظر می رسد؟



به طور خلاصه میتوان گفت:

- برخی از سازمان های بین المللی عمر مفید خود را پشت سر گذاشته اند .
- اینرسی حاکم بر این سازمانها ، حاکم شدن بوروکراسی و تشکیلات عریض و طویل اداری در این سازمانها ، و حمایتهایی که به هر نحو و به دلایل گوناگون از آنها میشود، آنها را را زنده نگه داشته است .

پس چگونه این نهادها و سازمانهای بین المللی می توانند با چالش های بزرگ و مشکلات جهانی مقابله کنند؟

در جهانی که با رویکردهای جدید جهانی شدن و منازعات مختلف دست و پنجه نرم می کند، نقش سازمان های بین المللی و نهادهای چندمنظوره چیست؟

بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی دارای دبیرخانه‌ای هستند که توسط یک فرد برجسته اداره می‌شود. عنوان آنها برجسته و پرمخاطب است که معمولاً "دبیر کل" یا "مدیر کل" یا چیزی شبیه به آن است و آن افراد می‌توانند پیشرفت برنامه‌های خود را در جهت رسیدن به یک برنامه‌ی خاص با نگرش داشتن آن در دستور کار مدت طولانی حتی پس از اینکه کشورها از آن برنامه‌ی خسته یا خسته شده‌اند، پیش ببرند.

اما در مورد موفقیت‌ها و شکست‌های سازمان‌های بین‌المللی سوال این است که: موفقیت‌های بزرگ چیست؟ شکست‌های بزرگ چیست؟ مثلاً در مورد نقش سازمان بهداشت جهانی در دوران همه‌گیری کرونا یا پس از همه‌گیری، مطالب زیادی نوشته شده است که این یک موفقیت بزرگ برای سازمان بهداشت بود و یا یک شکست؟



World Health
Organization

در واقع وقتی نوبت به ارزیابی موفقیت‌ها و شکست‌های سازمان‌های بین‌المللی می‌رسد، این مهم است که اصول و اهداف اصلی آن را در نظر داشته باشیم، زیرا وقتی منشور این سازمان‌ها را می‌خوانیم، مملو از رشد و جهش هستند. متأسفانه در برخی موارد برنامه‌های بلندپروازانه‌ی این سازمان‌ها باعث می‌شود که وقتی این سازمان‌ها را بر اساس هویتشان ارزیابی کنیم که آیا آنها به صد در صد اهداف مندرج در برنامه‌ها و منشورهایشان دست یافته‌اند یا نه، به نظر می‌رسد که تقریباً در همه موارد به طور جدی کوتاهی کرده‌اند.

البته اگر این سوال را اینطور مطرح کنیم که: آیا با وجود آنها در شرایط بهتری هستیم تا بدون آنها؟ پاسخ ممکن است کاملاً متفاوت باشد.

نقل قولی وجود دارد که می‌گوید: "سازمان ملل برای اینکه ما را به بهشت بیاورد ایجاد نشده است، بلکه سازمان ملل متحد برای دور نگه داشتن ما از جهنم ایجاد شده است".



در دهه‌های اخیر، تعداد سازمان‌های بین‌المللی ایجاد شده توسط دولت‌ها افزایش چشمگیری داشته است. به طور کلی، تولد این سازمان‌ها با انگیزه واقعی برای تقویت تعامل و گفتگو بین کشورها و یافتن راه حل‌های جهانی برای مشکلات سیاسی و اقتصادی صورت گرفت.

با این حال، در بسیاری از موارد، این سازمان‌ها به شبکه‌هایی تبدیل شده‌اند که در آن شرکت‌کنندگان اغلب متقاعد می‌شوند تا به گروه‌های ذی‌نفع و قدرتمند در مورد برخی موضوعات، و احتمالاً در ازای دریافت مزایا و پاداش‌های مختلف، تسلیم شوند. برخلاف کسانی که معتقدند سازمان‌های بین‌المللی در برابر همبستگی با یکدیگر آسیب‌پذیر هستند، دیگران استدلال می‌کنند که چنین آژانس‌هایی ابزار نئولیبرالی هستند که از طریق آن "ثروتمندان" "فقیرها" را استثمار می‌کنند، یا اینکه این نهادها ابزاری هستند که از طریق آن سیاستمداران و بوروکرات‌ها تلاش می‌کنند تا اختیارات نظارتی و مالیاتی خود را گسترش دهند، از رشد و توسعه‌ی واقعی کشورها جلوگیری کنند و حتی آزادی‌های فردی و اجتماعی را نقض کنند.

صرف نظر از دیدگاه‌های مختلف و هدف سازمان‌های بین‌المللی اکثر صاحب‌نظران موافق هستند که برخی از این سازمان‌ها در واقع بی‌فایده هستند و اگر نگوییم باید کنار گذاشته شوند، می‌بایست به طور اساسی اصلاح شوند.

سوال مهم این است که: آیا این تغییرات و اصلاحات رخ خواهد داد؟

دنیای سازمان‌ها و آژانس‌های بین‌المللی نسبتاً به هم مرتبط است. برخی از آنها فراتر از یک کمیته برای سازماندهی یک رویداد هستند (به عنوان مثال، G20، یک مجمع بین‌دولتی متشکل از ۱۹ کشور و اتحادیه‌ی اروپا)، و برخی دیگر بسیار بزرگتر هستند و اغلب شامل چندین لایه هستند.

به عنوان مثال، سازمان ملل متحد شامل ۱۷ "آژانس تخصصی" است که از جمله آنها می‌توان به آژانس بین‌المللی کار، اتحادیه جهانی پست و بانک جهانی اشاره کرد.



World Bank

بانک جهانی هم در زیر مجموعه خود سه آژانس دارد که شاید شناخته شده‌ترین آنها بانک بین‌المللی بازسازی و توسعه باشد. بعید است که این آژانس‌ها از بین بروند. کارمندان آنها معمولاً از بسته‌های پاداش سخاوتمندانه لذت می‌برند و انگیزه بالایی برای گسترش قدرت و دامنه عمل خود دارند. قابل درک است که آنها با تمام پیشنهادات برای کوچک‌سازی مخالف هستند.

دلایل اینرسی

تمایل به سکون یا اینرسی از منظر قوانین فیزیک ، خاصیتی از یک جسم یا یک فرآیند است که در برابر تغییر سرعت یا تغییر جهت حرکت مقاومت می کند. هر چه جرم و بزرگای یک جسم یا سازمان بیشتر باشد، اینرسی آن بیشتر است.

سیاستمداران با مجموعه‌ای از انگیزه‌های مختلف مواجه هستند اما با این وجود در یک جهت پیش می‌روند. آنها معمولاً پذیرای ایده‌ی تولد آژانس‌های جدید هستند و یا دادن زندگی دوباره به آژانس‌هایی که در حال حاضر وجود دارند، زیرا این مراکز فرصت‌های جدیدی را برای مشارکت در چانه‌زنی ، گسترش برنامه‌های مالی بزرگ و ایجاد شغل برای مشتریان خود ارائه می‌دهند و لذا برای این سیاستمداران که غالباً انگیزه‌های مالی و قدرت طلبی خاص خود را دارند، وجود این سازمانها لازم است .

در مقابل، پیشنهاد بازنگری یا انحلال یک آژانس بین‌المللی اقدامی است که فقط یک قدرت بزرگ سیاسی یا یک رهبر مصمم با برنامه‌ای قوی و حمایت ملی قوی می‌تواند آن را انجام دهد و بسیار مشکل است.

دسته بندی های مختلفی از آژانس های بین المللی وجود دارد و آینده ی آنها به تعداد بسیار محدودی از بازیگران اصلی که نقش آنها سیاسی است بستگی دارد و زمانی که ماهیت آنها با هدف مشخصی تعیین می شود شرایط فعالیت آنها به موفقیت های جدیدشان بستگی دارد.

البته در اینجا برخی محققین سازمان‌های غیردولتی را تاحدودی مستثنی می‌کنند، زیرا اگرچه این سازمان‌ها فراملی هستند و فعالیت‌های آنها محدود به یک کشور واحد نیست، اما به مانند دیگر سازمانها بین‌المللی نیستند و فقط منشأ وجود آن ها توافق‌نامه‌های بین‌المللی است که به نوعی فدراسیون بین المللی جمعیت های ملی صلیب سرخ و هلال احمر و کمیته ی بین المللی صلیب سرخ و جمعیت های ملی کشورها را که مجموعه ی نهضت جهانی صلیب سرخ و هلال احمر را تشکیل میدهند میتوان در این گروه طبقه بندی نمود.



نقش سازمان ملل

سازمان ملل اساساً یک نهاد سیاسی است. اگرچه برخی از آژانس های آن، در ابتدا با مأموریت اقتصادی جهانی ایجاد شدند، اما به تدریج نقش متفاوتی پیدا کردند. در این راستا، صندوق بین‌المللی پول (IMF) در سال ۱۹۴۶ به عنوان نوعی بانک بین‌المللی بود که نقدینگی موقتی را برای دولت‌هایی که مشکل مالی داشتند فراهم می‌کرد. اما شرایط امروز متفاوت است. بانک‌های مرکزی عمده به سمت یک سیاست و نظام تعیین نرخ ارز منعطف یا ناپایدار حرکت کرده‌اند که در آن عدم تعادل ارز، منجر به تغییر در نرخ ارز می‌شود. و در این روند، دیگر تامین نقدینگی بین‌المللی برای کشورهای فقیر دیگر موضوع مهمی برای این بانک‌ها نیست یا به تعبیر دیگر اولویت نخست آنها نیست.

در نتیجه، صندوق بین‌المللی پول از یک بانک مرکزی جهانی به یک مشاور و همکار خاص برای برخی دولت‌های بزرگ و سیاستمداران خاص تبدیل شده است که دارای نفوذ سیاسی غیرعلنی و پنهان هستند. شاید دلیل اصلی این موضوع این است که در طول سالها، بانک‌هایی که در عملیات نجات مالی کشورها از بحران در مقیاس بزرگ مشارکت داشتند، به نهادهای بیرونی و خارجی خاصی نیاز پیدا کرده‌اند که بالطبع آنها شرایط را به وام‌گیرنده دیکته کند و پس از پرداخت وام‌ها غیر مستقیم بر آنها نظارت دارند و این بانک‌ها وارد مرحله‌ای متفاوت از آنچه می‌بایست بود شده‌اند. بنابراین، **برخلاف روایت فعلی، امروز صندوق بین‌المللی پول، مشاور دلسوز وام‌گیرندگان که غالباً کشورهای در حال توسعه یا فقیر هستند نیست.** بلکه با انجام مذاکرات و عقد قرارداد، خدماتی را به وام‌دهندگان ارائه می‌دهد که اهداف حامیان و تامین‌کنندگان اصلی منابع آنها را پیگیری کند.

لذا بعید به نظر می‌رسد که اینگونه سازمان‌ها به این زودی‌ها ناپدید شوند. صرف نظر از قابل تقدیر بودن برخی از آنها برای اقداماتی که انجام می‌دهند، آنها منافع و اهداف سیاسی و مادی خاصی را دنبال می‌کنند و گروه‌های فشار تامین‌کننده‌ی منابع آنها، حامی قوی و منسجم این سازمانها هستند. این گروه‌ها شامل بازیگران دولتی و غیردولتی می‌شوند. با این حال، چشم انداز بلندمدت ممکن است متفاوت باشد.



سازمان همکاری اقتصادی اروپا در ۱۶ آوریل ۱۹۴۸ برای نظارت بر طرح مارشال که اروپای غربی را پس از جنگ جهانی دوم بازسازی کرد، به وجود آمد. این سازمان بعدها به سازمان همکاری و توسعه اقتصادی تبدیل شد که امروزه بیشتر نقش تحقیقاتی دارد. تصویر فوق عکس اعضای OEEC در ۱۷ فوریه ۱۹۴۹ است.

سیر تکامل OECD



سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) سازمان هایی را از نوع متفاوتی نمایندگی می کند. این سازمان در سال ۱۹۴۸ به عنوان یک نهاد فنی برای مدیریت برنامه بازیابی اروپا، که پیشتر به عنوان طرح مارشال شناخته می شود، ایجاد شد. سپس در سال ۱۹۶۰ فرم سازمانی آن تغییر یافت و بیشتر شبیه به یک مرکز تحقیقاتی شد که آمار، تحلیل های اقتصادی و توصیه های سیاسی را در زمینه های مختلف ارائه می دهد. بنابراین قدرت مالی آن محدود شده است. این مساله مشروعیت جهانی آن را تضعیف می کند و نقش عملیاتی آن را تضعیف می کند.

OECD احتمالاً می تواند به عنوان یک باشگاه برای سیاستمداران و دولتهای خاص دوام بیاورد و خواهد ماند، اما در اعتبار خود با مشکل مواجه خواهد شد. به تعبیری صندوق بین المللی پول که بر اساس اعتبار و اجماع سیاسی جهانی مشترک در مورد فعالیت آن بنا شده است، اگر از مسیر و هدف اصلی خود به نحوی که همکنون پیش میرود منحرف شود، به باشگاهی برای برخی سیاستمداران، دولت های خاص، بانکداران و سرمایه داران تبدیل می شود

به طور کلی، سازمانهایی که تبدیل به باشگاه‌های دولتها و سیاستمداران خاصی شده اند می‌توانند جهانی شوند و جهانی بمانند اما مشروط به اینکه روی اعتبار گذشته خود حساب کنند و به اهداف اصلی خود بازگردند، اما اگر حیات خلوتی برای اجرای سیاست‌های دیکته شده توسط اعضای کلیدی و ویژه‌ی خود شوند، مشروعیت خود را از دست خواهند داد. این مهم توضیح می‌دهد که چرا متخصصین امروزه OECD را بمانند گذشته جدی نمیگیرند، و چرا بسیاری از مردم در مورد صندوق بین‌المللی پول تردید دارند و چرا سازمان تجارت جهانی (WTO) دیگر نقش مهمی ایفا نمی‌کند.

در واقع بسیاری از آژانس‌های بین‌المللی که از گذشته به ارث رسیده اند از اهداف اصلی خود دور شده اند و به نوعی استحاله شده اند.

حمایت و امتیازات

اگر بسیاری از این سازمانها با بازگشت به اصول و اهداف و علت ایجاد خود، اعتبار خویش را حفظ کنند، می‌توانند به دولت‌های ملی که در مورد برخی موضوعات اجماع داخلی ندارند و مشتاق دریافت نوعی تأییدیه معتبر خارجی هستند، حمایت خارجی ارائه کنند. از برخی جهات، این موضوع هنوز در مورد WTO صدق میکند. از سوی دیگر، بقای سازمان‌هایی با اعتباری که زیر سوال رفته است و مانند گذشته نیست به تغییر رویکرد کشورهای بزرگ و قدرتمند بستگی دارد تا امتیازات شخصی سیاستمداران و مشتریان خاص آنها را محدود و مدیریت کنند. بسیاری استدلال می‌کنند که سازمان خوار و بار و کشاورزی (FAO) و سازمان بهداشت جهانی (WHO) در این دسته قرار میگیرند.

بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی بسته به مصلحت، در برخی موارد اقداماتی خلاف رویه‌ی عادی شان انجام میدهند. چرا که گاه کشورهایی که ادعا می‌کنند هرگز توافقات بین‌المللی را نقض نمی‌کنند، در مواردی از دور زدن توافقات بین‌المللی یا درخواست استثنا از سازمان‌های بین‌المللی، تردیدی به خود راه نمی‌دهند و این چالش بزرگی است که سازمان‌ها در آینده، هرچه بیشتر با آن مواجه خواهند شد.

سناریوهای پیش رو:

یکی از سناریوهای محتمل این است که وضعیت موجود برای آینده قابل پیش‌بینی باقی بماند.

اما سناریوی محتمل‌تر، که باعث ناامیدی است، این است که رفتار این سازمانها، مبتنی بر سیاست‌هایی خواهد بود که اصول و اهداف اصلی آنها را با فشار برخی کشورها برای انطباق با شرایط مالی و سیاسی مبتنی بر قدرتی که دارند، معامله خواهد کرد.

سایت ها و منابع برای مطالعه ی بیشتر :

[https://www.law.berkeley.edu / the-future-of-international-organizations](https://www.law.berkeley.edu/the-future-of-international-organizations)

<https://www.graduateinstitute.ch/communications/news/future-international-organisations>

<https://globe-survey.eu>

<https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000371366>